

دوفصلنامه علمی ترویجی سلفی پژوهی، سال دوم ♦ شماره ۴ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ ♦ صفحات: ۹۳-۱۱۳

نگاه تطبیقی دیدگاه وهابیت و مذهب حنفی

در موضوع مسجد قرار دادن قبور اولیا

محمدباقر حیدری نسب*

حسین رجبی**

علی ابراهیمزاده***

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی بین دو فرقه وهابیت و حنفی، در موضوع مسجد قرار دادن قبور اولیا می‌پردازد. در ابتدا به مصداق‌شناسی این موضوع از نگاه این دو گروه اشاره می‌کنیم و در ادامه به بررسی چهار مورد از مصادیق، می‌پردازیم. ساخت مسجد بر قبور یا در جوار آن، ساخت گنبد و ساختمان بر قبور، نماز خواندن نزد قبور و قرائت قرآن نزد قبور، از جمله‌ی این موارد می‌باشد که به آنها به‌صورت تطبیقی پرداخته و روشن می‌شود که علمای حنفی، گرچه دیدگاه واحدی نسبت به مصادیق بیان شده ندارند، اما رویکرد معتدل‌تری نسبت به وهابیت دارند.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، حنفی، مسجد قرار دادن قبور، بنای مسجد بر قبور، ساخت گنبد بر قبور، نماز خواندن نزد قبور، قرائت قرآن نزد قبور.

* کارشناس ارشد موسسه کلام اسلامی.

** عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.

*** کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی.

مقدمه

توجه و احترام به اولیای الهی فی الجمله مورد قبول همه فرق اسلامی است؛ اما آنچه مورد اختلاف است، مقدار توجه به آنها می باشد. بعضی از مسلمانان (به خصوص وهابیت) در موضوع توجه به قبور اولیا، نگاهی سخت گیرانه و حداقلی دارند و بسیاری از اموری که مسلمانان انجام می دهند را شرک یا دارای شائبه شرک می دانند؛ اما بسیاری از مسلمانان این نگاه را نپذیرفته و دلایلی بر جواز آن اقامه می کنند که این دو نگاه، سرمنشأ اختلافات زیادی در بین مسلمانان شده است.

یکی از مسائل مورد بحث در بین فرق اسلامی، موضوع مسجد قرار دادن قبور اولیای الهی است. مهم ترین روایت مورد بحث، روایتی از حضرت رسول ﷺ می باشد که یهود و نصاری را به خاطر مسجد قرار دادن قبور پیامبران شان مورد لعن و مذمت قرار داده و مسلمانان را از این عمل بر حذر داشته اند؛ اما چون در حدیث، مصداق مسجد قرار دادن بیان نشده، عرصه برای برداشت های شخصی و متفاوت باز گردیده است.

این تحقیق سعی دارد تا دیدگاه وهابیت و نظریه پرداز آنها یعنی ابن تیمیه، و مذهب حنفی (از بزرگ ترین مذاهب اهل سنت) را در مصداق شناسی مسجد قرار دادن قبور اولیا به صورت تطبیقی بررسی کند و در ادامه با تفصیل بیشتر، به چهار مورد مصداقی بپردازد، تا موارد اتفاقی و اختلافی فریقین بیشتر روشن گردد.

سوال این است که آیا مسجد قرار دادن قبور اولیا، مورد قبول وهابیت و احناف است؟ این دو گروه چه مواردی را جایز و چه مواردی حرام را می دانند و دلیل آنها چیست؟ این موضوع هر چند در کتاب های علمای وهابیت و حنفی به صورت پراکنده بیان شده، اما جمع آوری مصادیق مسجد قرار دادن قبور از نگاه دو فرقه و بررسی تطبیقی بین آنها صورت نگرفته است.

فرض بر این است که گرچه این دو گروه، در بعضی از مصادیق هم فکر هستند، اما در غالب مصادیق بیان شده اختلاف فکری دارند و علمای حنفی رویکرد معتدل تری در پیش گرفته اند.



اهمیت بیان این مقاله آنجا روشن می‌شود که ابن تیمیه و وهابیت، این موضوع را همان‌طور که بیان خواهد شد از مصادیق شرک^۱ یا سبب ورود به شرک می‌دانند؛^۲ از طرفی هم سعی دارند تا دیدگاه تحریمی مسجد قرار دادن قبور را، عقیده همه مسلمان معرفی کنند.^۳ ابن عبدالوهاب می‌گوید: ائمه اسلام بر عدم جواز ساخت مساجد بر قبور و نماز نزد قبر، اتفاق دارند.^۴

بیان حدیث نبوی

حدیثی که برای منع مسجد قرار دادن قبور بیان شده، به عبارات مختلف در کتب شیعه و سنی بیان گردیده که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند: خداوند یهود و نصاری را لعنت کند که قبرهای پیامبران خود را مسجد قرار داده‌اند.^۵ در برخی احادیث دیگر به جای عبارت "لعن الله" عبارت "قاتل الله"^۶ بیان شده است.

در حدیث دیگری می‌فرمایند: آگاه باشید پیشینیان شما، قبرهای پیامبران و صالحان خود را مسجد قرار می‌دادند؛ هرگز قبور را مسجد نگیرید؛ من شما را از آن عمل منع می‌کنم.^۷ ایشان در روایتی دیگر فرمودند: قبرم را قبله و مسجد قرار ندهید؛ همانا خداوند، هنگامی که قوم یهود قبر پیامبران خود را مسجد قرار دادند، لعن و نفرین فرمود.^۸

۱. الدویش، احمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. «فَإِنَّ مِنْ أَصُولِ الشِّرْكِ بِاللَّهِ اتِّخَاذُ الْقُبُورِ مَسَاجِدَ»؛ (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۲۹۰).

۳. افغانی، شمس‌الدین، جهود علماء الحنفية في إبطال عقائد القبور، ج ۳، ص ۱۶۲۲؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۲۷، ص ۱۶۰ و ۴۸۸.

۴. ابن عبدالوهاب، محمد، مفید المستفید فی کفر تارک التوحید، ص ۲۹۲.

۵. «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسْجِدًا» (بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح المختصر، ج ۱، ص ۴۶۸)؛ (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۷۶).

۶. ابن انس، مالک، موطأ الإمام مالک، ج ۲، ص ۸۹۲.

۷. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۷۷؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۱۳.

۸. «لَا تَتَّخِذُوا قُبُورِي قِبْلَةً وَلَا مَسْجِدًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَعَنَ الْيَهُودَ حِينَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۸).



ام حبیبه و ام سلمه (همسران رسول خدا ﷺ) در کشور حبشه تصاویری دیدند و مشاهدات خود را برای پیامبر ﷺ ذکر کردند؛ سپس پیامبر ﷺ فرمودند: آنان مردمی هستند که هرگاه مرد صالحی از آنان می‌میرد، بر قبر او مسجدی می‌ساختند و صورت‌هایی را تصویر می‌کردند. آنها بدترین مردم نزد خدا در روز قیامت می‌باشند.^۱ ابن عباس نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ زنانی که قبور را زیارت می‌کنند و کسانی که آنها را مسجد اتخاذ کرده و چراغ روشن می‌کنند، لعن کردند.^۲ ابتدا لازم است مصادیق مسجد قرار دادن قبور از نگاه دو گروه روشن شود و در ادامه، به بررسی بارزترین مصادیق منع پرداخته شود:

۱. مصادیق مسجد قرار دادن قبور اولیا از نگاه فریقین

الف: دیدگاه وهابیت

از مجموع مکتوبات وهابیت و نظریه‌پرداز این فکر (ابن تیمیه) به دست می‌آید که چند امر، مصادیق مسجد قرار دادن قبور است که به صورت اجمال به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

۱. نماز خواندن در کنار قبر،^۳ رو به قبر^۴ یا بالای قبر؛
۲. ساختن مسجد بر قبور^۵ و در جوار قبور؛^۶
۳. ساختن گنبد بر قبور؛^۷
۴. سجده بر قبر؛^۸

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحيح المختصر، ج ۳، ص ۱۴۰۶.
۲. ابن حنبل شیبانی، أحمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۲۹.
۳. ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۳، ص ۴۳-۴۴؛ ابن عبد الوهاب، محمد، مفید المستفید فی کفر تارک التوحید، ص ۲۹۲؛ صالح بن فوزان، اعانة المستفید بشرح کتاب التوحید، ج ۲، ص ۲۹۵.
۴. آلبنی، ناصرالدین، احکام جنایز، ص ۱۶۴.
۵. ابن عبد الوهاب، محمد، مفید المستفید فی کفر تارک التوحید، ص ۲۹۲؛ فوزان، صالح بن فوزان، اعانة المستفید بشرح کتاب التوحید، ج ۲، ص ۲۹۵؛ آلبنی، ناصرالدین، احکام جنایز، ص ۱۶۴.
۶. صنعانی، محمد بن اسماعیل، سبل السلام، ج ۱، ص ۱۵۳.
۷. فوزان، صالح بن فوزان، اعانة المستفید بشرح کتاب التوحید، ج ۲، ص ۲۹۵.
۸. آلبنی، ناصرالدین، احکام جنایز، ص ۱۶۴.

۵. تبرک به قبر؛^۱
۶. دعا نزد قبر؛^۲
۷. طلب حوائج از صاحب قبر؛^۳
۸. استغاثه به او؛^۴
۹. قسم به خدا به حق او؛^۵
۱۰. گذاشتن قرآن بر قبر، جهت قرائت قرآن؛^۶

ب: دیدگاه احناف

- با تحقیق در کتب علمای احناف، مواردی را که آنها مصداق مسجد قرار دادن قبور اولیا می‌دانند، اجمالاً به این صورت می‌باشند:
۱. خواندن نماز بر قبر^۷ یا قبله قرار آنها؛^۸
 ۲. ساختن مسجد بر قبور؛^۹
 ۳. سجده بر قبر؛^{۱۰}
 ۴. برگزاری امور لهوی در کنار قبر؛^{۱۱}

۲. بررسی چهار مورد از موارد مسجد قرار دادن قبور

حال که به مصداق مسجد قرار دادن قبور، از نگاه فریقین اشاره شد، لازم است به

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۲۹۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۳-۴۴.

۳. همان

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. محدث دهلوی، عبدالحق، اشعه اللمعات، ج ۳، ص ۲۳۹. العینی، بدر الدین، عمده القاری شرح صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۷۴.

۸. عثمانی، شبیر احمد، فتح الملهم، ج ۴، ص ۲۶.

۹. همان.

۱۰. قاری، علی بن محمد، مرقاة المفاتیح، ج ۲، ص ۶۰۰؛ قاری، علی بن محمد، شرح الشفاء، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۱؛ عثمانی، شبیر احمد، فتح الملهم، ج ۴، ص ۲۶.

۱۱. قاری، علی بن محمد، زیارت القبر المکرم، ص ۸.



بررسی تطبیقی آنها پرداخته شود؛ اما بررسی همه‌ی مصادیق بیان شده از گنجایش این مقاله خارج است و مواردی مانند استغاثه، تبرک و... خود بحث مستقلی می‌طلبد. در این مقاله به بررسی چهار مورد از موارد بالا پرداخته می‌شود.

اول: ساخت مسجد بر قبور و در جوار قبور

الف: دیدگاه وهابیت

ابن تیمیه که وهابیت وامدار افکار وی می‌باشد، با استفاده از حدیث مذکور (لعن الله الیهود) برای اینکه دیگر فرق اسلامی را با تفکرات خود همراه کند می‌گوید: بسیاری از علمای مذاهب، از اصحاب مالک و شافعی و احمد و همچنین از فقهای کوفه، بر نهی از بنای مساجد بر قبور تصریح کرده‌اند و بسیاری از آنها به تحریم فتوا داده‌اند. این از چیزهایی است که بعد از لعن پیامبر ﷺ و مبالغه در نهی، شکی در آن نیست.^۱ او در جای دیگری از اتفاق ائمه دین بر نهی از بنای مساجد سخن می‌گوید.^۲ محمد بن عبدالوهاب نیز، همان‌طور که قبلاً بیان شد همین دیدگاه را دارد.^۳

محمد اسماعیل صنعانی، بعد از بیان بیضاوی مبنی بر جواز ساختن مسجد در کنار قبور شخص صالح، به قصد تبرک و بدون قصد تعظیم می‌گوید: نهی احادیث مطلق است و دلیلی بر تعلیل بیان نشده است؛^۴ بنابراین هر نوع بنایی با هر نیتی در جوار قبور حرام است.

ماحصل کلام وهابیت این است که بنای مسجد بر قبور و در کنار آنها حرام بوده و نهی آن مورد اتفاق ائمه اسلام می‌باشد.

ب: دیدگاه احناف

حال باید دید که دیدگاه احناف در این مورد چیست؟ تعدادی از علمای احناف در

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۲۷، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۴۸۸.

۳. ابن عبدالوهاب، محمد، مفید المستفید فی کفر تارک التوحید، ص ۲۹۲.

۴. صنعانی، محمد بن اسماعیل، سبل السلام، ج ۱، ص ۱۵۳.

کتب خود اشاره‌ای به جواز یا عدم جواز بنای مسجد بر قبور نکرده‌اند؛ اما از بین کسانی که به این مسأله پرداخته‌اند، دو دیدگاه به‌دست می‌آید.

دیدگاه اول: جواز ساخت مسجد در کنار قبور اولیا

اکثر علمای احناف مسجد ساختن در کنار قبور اولیا را جایز می‌شمارند و مهم‌ترین دلیل برای جواز آن را، آیه ۲۱ سوره کهف می‌دانند که خداوند می‌فرماید: هنگامی که میان خود درباره آنها (اصحاب کهف) اختلاف داشتند، پس گفتند، بنایی بر آنها بسازید، خداوند به حال آنها آگاه‌تر است و کسانی که بر کارشان غالب آمدند گفتند، بر آنها مسجدی قرار می‌دهیم.

بنابراین اکثر علمای حنفی ساختن مسجد در کنار قبر، به‌قصد تبرک را جایز می‌دانند. بدرالدین عینی، قاضی ثناءالله، عبدالحی لکنوی، کشمیری و محمد شفیع عثمانی دیوبندی می‌گویند: کسی که مسجدی در کنار قبر صالحی بگیرد و قصد تبرک، به‌خاطر نزدیکی او داشته باشد (نه برای تعظیم او)، پس داخل در وعید مذکور (نهی از مسجد قرار دادن قبور) نیست.^۱

سندی می‌نویسد: کسی که در جوار قبر شخصی صالح مسجدی برگزیند، یا در مقبره‌ای، (بدون قصد روی نمودن به سمت آن) نماز بخواند، منعی نداشته و حرجی در عمل وی نیست.^۲

محدث دهلوی به کلام ابن حجر بر جواز مسجد استدلال می‌کند که: اما گرفتن مسجد در جوار پیامبر ﷺ یا صالحی، و نماز خواندن نزد قبر وی، به نیت حصول مدد از وی، تا ثواب کامل عبادت را به‌برکت قبر و مجاورت آن روح پاک برد و نه به‌قصد تعظیم قبر و توجه به‌جانب قبر، در آن حرجی نیست.^۳

۱. عینی، بدرالدین، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۷۴؛ مظهری، محمد ثناءالله، التفسیر المظهری، ج ۶، ص ۲۴؛ لکنوی، محمد عبدالحی، التعليق الممجد علی موطا محمد، ج ۲، ص ۱۲۸؛ کشمیری، محمد انور شاه، العرف الشذی شرح سنن الترمذی، ج ۲، ص ۵۸؛ عثمانی، محمد شفیع، معارف القرآن، ج ۸، ص ۳۵۸-۳۵۷.
۲. سندی، محمد بن عبدالحادی، حاشیة السندی علی النسائی، ج ۴، ص ۹۵-۹۴.
۳. محدث دهلوی، عبدالحق، اشعة اللمعات، ج ۳، ص ۲۳۹.



خفاجی حنفی نیز در ذیل آیه ۲۱ سوره کهف می گوید: بودن آن مسجد، دلالت بر جواز بناء بر قبور صالحان و مثل آنها می کند؛ کما اینکه در کشاف اشاره شده است.^۱

دیدگاه دوم: حرمت ساخت مسجد در جوار قبور اولیا

شبیر احمد عثمانی، حرمت آن را به خاطر سوء استفاده نکردن عوام می داند و می گوید: منع از آن در صورتی است که، خشوع نسبت به قبر پیدا کند؛ کما اینکه کسانی که مورد لعن بودند این چنین بودند؛ اما زمانی که ایمن از آن باشد، پس امتناعی در آن نیست.^۲

دوم: بناء بر قبور

از موضوعات دیگری که باید مورد تطبیق قرار گیرد، ساخت گنبد بر قبور است.

الف: دیدگاه وهابیت

پیش تر اشاره شد که وهابیت ساخت گنبد بر قبور را مصداق مسجد قرار دادن قبور می داند.^۳ آنها ساختن بناء و گنبد بر قبور را از اسباب شرک می دانند و می گویند: بناء بر قبور، بدعت منکر است؛ چراکه در آن، غلو در تعظیم کسانی است که در آن قبرها دفن شده اند و این عمل راهی به سوی شرک است؛ بر ولی امر مسلمین یا نائب اوست که امر کند تا آنچه بر روی قبور ساخته شده خراب گردیده و قبور را نیز با زمین یکسان سازند، تا این بدعت را ابطال و راه به شرک نیز بسته شود.^۴

شمس الدین سلفی بنای بر قبور را از بزرگ ترین اسباب شرک می داند.^۵ از جمله روایاتی که وهابیت برای منع بناء بر قبور بیان می کند، حدیث ابی الهیاج است.^۶

۱. خفاجی، شهاب الدین احمد، عناية القاضي وكفاية الرازي على تفسير البيضاوي، ج ۶، ص ۸۶.

۲. عثمانی، شبیر احمد، فتح الملهم، ج ۴، ص ۲۶.

۳. فوزان، صالح بن فوزان، اعانة المستفيد بشرح كتاب التوحيد، ج ۲، ص ۲۹۵.

۴. هیئت کبار العلماء، فتاوی اللجنة الدائمة، ج ۱، ص ۳۴۰.

۵. افغانی، شمس الدین سلفی، جهود علماء الحنفية في ابطال عقاید القبرية، ج ۳، ص ۱۶۳۴.

۶. ابن عبدالکریم، ناصر، اسلامیة لا وهابية، ص ۲۲۱؛ صنعانی، محمد بن اسماعیل، تطهير الاعتقاد، ص ۳۵؛ «وکیع از سفیان و او از حبیب، او هم از ابووائل و او از ابی الهیاج نقل می کنند که علی بن ابیطالب (علیه السلام) به من فرمود: آیا تو را بر نینگیزم به کاری

ب: دیدگاه احناف

در بین احناف درباره بنای بر قبور، سه دیدگاه مطرح است.

دیدگاه اول: کراهت بناء بر قبور

حکم کراهت بنای بر قبور در مذهب حنفی به دیدگاه فقهی ابوحنیفه برمی گردد. کاسانی حنفی می گوید: ابوحنیفه بنای بر قبر را مکروه می داند.^۱ جمعی از علمای حنفی بنای بر قبر را مکروه می دانند و می گویند: بنای بر قبر، به گنج و آجر و چوب و نوشتن بر قبر مکروه است.^۲ ملاعلی قاری می گوید: علما گفته اند که مستحب است بالا بردن قبر به اندازه یک وجب و مکروه است بالاتر از آن.^۳

ابن عابدین بر این باور است که اگر با نیت محکم کردن قبر ساخته شود مکروه است؛^۴ البته بعداً بیان خواهد شد که وی چادر زدن بر قبور بزرگان را نیکو می شمرد.

همان طور که بیان شد، بعضی از وهابیان از حدیث ابی الهیاج بر حرمت بنای قبور استدلال می کنند. محمد زاهد کوثری می گوید: حدیث ابی الهیاج در اسنادش اختلاف است؛ با عنعنه حبیب ابن ثابت^۵ (با سلسله سندی که حبیب بن ثابت در آن است) با بودن (این حدیث)، به آن حدیث مدت زمانی از جانب مسلمانان عمل نشده است. ترک عمل به حدیث نیز نزد افراد زیادی از اهل نقد، علت ضرر زننده است؛ پس اگر

که رسول خدا ﷺ مرا بدان برانگیخت؟ و آن اینکه از هیچ تمثالی نگذری، مگر اینکه آن را نابودسازی و از هیچ قبر برآمده ای عبور نکنی، مگر این که آن را مساوی و مسطح گردانی»؛ (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۱).

۱. «کَرِهَ أَبُو حَنِيفَةَ الْبِنَاءَ عَلَى الْقَبْرِ»؛ (کاسانی حنفی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۱، ص ۳۲۰؛ (سمرقندی، محمد بن احمد، تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۵۶).

۲. رازی، محمد بن ابی بکر، تحفه الملوك، ص ۱۱۵؛ «قاضی ثناء الله مظهری نیز بعد از بیان احادیث منع بناء آنها را حمل بر کراهت می کند»؛ (مظهری، محمد ثناء الله، التفسير المظهری، ج ۶، ص ۲۴).

۳. قاری، علی بن محمد، مرقاة المفاتیح، ج ۳، ص ۱۲۱۶.

۴. ابن عابدین، محمد، ردالمحتار علی الدر المختار، ج ۶، ص ۳۷۹.

۵. حبیب بن ابی ثابت اهل تدلیس است. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، أسماء المدلسین، ص ۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تعریف اهل التدلیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس، ص ۳۷.



نهی از بناء، بر نهی تنزیهی حمل شود، کلام آسان می شود.^۱

دیدگاه دوم: حرمت ساختن بناء بر قبور

بعضی از احناف بنای بر قبور را حرام می دانند.^۲

کشمیری می گوید: بنای بر قبور، کما اینکه آن را اهل این عصر انجام می دهند، مانند قرار دادن گنبد بر قبر، حرام است.^۳ بعضی از علمای حنفی بناء با قصد زینت را حرام می دانند.^۴

دیدگاه سوم: جواز بنای بر قبور مشایخ و اولیا

در بین علمای حنفی، بعضی بنای بر قبور اولیا را جایز و بلکه نیکو شمرده اند. برای مثال ملا علی قاری بر این باور است که سیره سلف در مباح بودن بنای بر قبر مشایخ و علما است و می گوید: به تحقیق، سلف بنای بر قبر مشایخ و علما و مشهوران را مباح دانسته اند تا مردم آنها را زیارت کنند و با نشستن در آنجا استراحت نمایند.^۵

شهاب الدین خفاجی در ذیل آیه ۲۱ سوره کهف می گوید: بودن آن مسجد دلالت بر جواز بنای بر قبور صالحان و مثل آنها می کند؛ کما اینکه کشف اشاره به آن دارد.^۶

عبد الغنی نابلسی ساخت گنبد بر قبر علما و اولیا را مصداق تعظیم شعائر الهی می داند و معتقد است که این عمل بدعت حسنه است. وی می گوید: در حدیث وارد شده که قبر، یا باغی از باغ های بهشت است، یا حفره ای از آتش؛ در واقع معنایی برای آن نیست، مگر اینکه ارواح مردگان یا در قبورشان صاحب نعمت هستند، یا اینکه عذاب می شوند و آن تنعم یا عذاب به خاطر اتصال ارواح به اجساد پوسیده شده ای است که از

۱. کوثری، محمد زاهد، مقالات الکوثری، ص ۱۲۷.

۲. آلوسی، نعمان بن محمود، جلاء العینین فی محاکمه الاحمدین، ص ۵۹۶؛ حنفی، ابراهیم بن علی، تحفة الترك فیما یجب أن یعمل فی الملک، ص ۹۰.

۳. کشمیری، محمد انور شاه، العرف الشذی شرح سنن الترمذی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۴. ابن عابدین، محمد، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۶، ص ۳۷۹؛ طحطاوی، أحمد بن محمد، حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح، ج ۱، ص ۶۱۱.

۵. قاری، علی بن محمد، مرقاة المفاتیح، ج ۳، ص ۱۲۱۷.

۶. خفاجی، شهاب الدین احمد، غنایة القاضي و کفاية الرازي علی تفسیر البيضاوي، ج ۶، ص ۸۶.

دنیا خارج شده‌اند و آن ارواح، پاکیزه به ایمان و طاعات، یا چرکین به کفر و مخالفت‌ها هستند؛ بنابراین قبور مومنین، دارای احترام و عظمت است؛ کما اینکه قبل از آن نیز چنین بودند و آنها زنده‌های محترم و بزرگی هستند؛ پس کسی که عالمی را کوچک بشمارد یا دشمنی با آن عالم، موجب سبک شدن او گردد، کفر ورزیده است؛ کما اینکه فقها به آن تصریح کرده و در این بین، فرقی بین زندگان و مردگان نیست و احترام در حق آنها (مومنین) واجب است؛ چنان‌که خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْظَمْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱ و کسی که شعائر خداوند را بزرگ بشمارد، چنین کاری نشانه تقوای دل‌هاست. شعائر خداوند آن چیزهایی هستند که شعور دارند؛ یعنی خدای تعالی آن را اعلام و آگاه می‌دارد؛ مثل علما و صالحان، چه زنده باشند چه مرده، و از جمله بزرگ داشت آنها ساخت بناء و قبه بر قبور و ساختن تابوت بر آنها از چوب ضخیم درخت است؛ تا اینکه عامه مردم آنها را کوچک بشمارند و اگرچه این عمل بدعت است؛ پس این عمل، بدعت حسنه است؛ کما اینکه فقها در بزرگی عمامه و بزرگی لباس علما گفته‌اند که این کار جایز است، تا اینکه عامه، آنها را سبک بشمارند و آنها را احترام کنند؛ اگرچه آن بدعتی است که بر روش سلف نیست.^۲

حقی بعد از نقل کلام نابلسی می‌گوید: "فالمقصد فيها مقصد حسن".^۳

سمرقندی می‌گوید: گفته شده بناء بر قبر مرده، زمانی که مرده از مشایخ و علما و سادات باشد مکروه نیست.^۴

وی این مطلب را بیان می‌کند و رد نمی‌کند؛ ضمن اینکه مطلب سمرقندی را ابن عابدین شامی^۵ و نابلسی^۶ نیز بیان می‌کنند و این قول را می‌پذیرند.

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

۲. نابلسی، عبدالغنی، کشف النور عن اصحاب القبور، ص ۱۲.

۳. حقی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان، ج ۳، ص ۴۰۰.

۴. سمرقندی، ناصرالدین، جامع الفتاوی، ص ۱۰.

۵. ابن عابدین، محمد، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۲۳۷.

۶. نابلسی، عبدالغنی، کشف النور عن اصحاب القبور، ص ۱۲.



ابن عابدین هم در باب جواز بنای بر قبور برای صالحان و اولیا می گوید: بعضی فقها قرار دادن چادر و عمامه ها و لباس ها بر قبور را مکروه دانسته اند. در کتاب فتاوی الحجة گفته شده که قرار دادن چادر بر قبور مکروه است؛^۱ لیکن ما الان می گوئیم، زمانی که قصد تعظیم در دید مردم را داشته باشد تا صاحب قبر را کوچک نشمارند و به هدف جلب خشوع و ادب برای زائرهای غافل، پس آن جایز است. اعمال به نیت انسان بر می گردد، اگرچه بدعت است.

ابن عابدین برای آنکه نشان دهد که این بدعت، بدعت حسنه است و اشکالی ندارد، مثالی غیر از مثال نابلسی می زند و می گوید: آن مثل، قول آنها است که به خاطر احترام خانه خدا بعد از طواف وداع، به پشت راه می روند تا اینکه از مسجد خارج شوند. حتی در منهاج السالکین گفته شده که در این مورد نه سنت روایت شده ای و نه اثر حکایت شده ای آمده است و حال، یاران ما این را انجام می دهند.^۲

ملاعلی قاری در شرح حدیث قبه زدن همسر حسن بن حسن و نماز خواندن در آنجا می گوید: ظاهر این است که زدن قبه به جهت اجتماع دوستان بر قبر او، برای ذکر و قرائت قرآن و حضور اصحاب برای دعا و مغفرت و رحمت بوده است؛ اما حمل فعلش را به صورت بیهوده مکروه کردن؛ کما اینکه ابن حجر کرده که از عمل اهل بیت به دور است.^۳ با تخریب قبور بقیع توسط وهابیت جمعی از علمای حنفی شبه قاره هند در دربار سلطان بن سعود حاضر و به خاطر تخریب آنها اعتراض کردند. شیر احمد عثمانی به نیابت از آنها خطاب به سلطان بن سعود می گوید: ما هدم قباب (گنبدها) را کار صحیحی نمی دانیم.

وی در ادامه، پشیمانی عمر بن عبدالعزیز از انهدام خانه عایشه و دستور ساخت دوباره آن را موید عدم صحیح بودن این کار می داند و می گوید: با این توضیح نیز هدفم

۱. ابن عابدین، محمد، العقود الدرية في تنقيح الفتاوى الحامدية، ج ۲، ص ۳۲۵-۳۲۴.

۲. ابن عابدین، محمد، العقود الدرية في تنقيح الفتاوى الحامدية، ج ۲، ص ۳۲۵-۳۲۴؛ ابن عابدین، محمد أمين، رد المختار علی الدر المختار، ج ۶، ص ۳۶۳.

۳. قاری، علی بن محمد، مرقاة المفاتیح، ج ۳، ص ۱۲۴۹.

ترغیب برای ساختن گنبد بر قبرها نیست؛ بلکه مقصود بیان این مطلب است که موضوع قبور اعظم در قلوب الناس تأثیر و ارتباط دارد؛ چنانچه از گریه اختیاری عمر بن عبدالعزیز در آن موقع و از ناراحتی مردم جهان اسلام از جنابعالی در این موقع، این مطلب ظاهر است.^۱

سوم: نماز خواندن نزد قبور

سومین مورد از مصادیق مسجد قرار دادن قبور اولیا، نماز خواندن نزد قبور است که به دیدگاه دو گروه پرداخته می شود.

الف: دیدگاه وهابیت

همان طور که اشاره شد، وهابیت نماز خواندن نزد قبور را حرام و از وسایل شرک می دانند.^۲

ب: دیدگاه احناف

در این خصوص بین علمای احناف دو دیدگاه بیان شده است:

دیدگاه اول: کراهت نماز خواندن

قول مشهور در بین احناف بر خلاف وهابیت، کراهت نماز خواندن است و این اختلاف ریشه در اختلاف فقهی احمد حنبل و ابوحنیفه دارد. عینی در این زمینه می گوید: بدان علما درباره جواز نماز در مقبره اختلاف دارند. احمد به تحریم نماز در مقبره فتوا داده و ثوری و ابوحنیفه و اوزاعی فتوی به کراهت نماز در مقبره داده اند.^۳

دلایل کراهت

۱. به خاطر نهی پیامبر ﷺ از خواندن نماز در مقبره؛^۴

۱. سهارنپوری، خلیل احمد، ترمذی، سید عبدالشکور، عقاید اهل سنت و الجماعت در رد وهابیت و بدعت، ص ۶۰-۵۸.
۲. فوزان، صالح بن فوزان، اعانة المستفید بشرح کتاب التوحید، ج ۲، ص ۲۹۵.
۳. عینی، بدرالدین، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۴، ص ۱۷۳؛ مغلطی، علاءالدین، شرح سنن ابن ماجه، ص ۱۲۴۳.
۴. شرنبلالی، حسن بن عمار، مراقي الفلاح شرح متن نور الايضاح، ج ۱، ص ۱۳۰؛ کاسانی حنفی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۱، ص ۳۲۰.



۲. به خاطر حدیث «لعن الله اليهود و النصارى» و شباهت در عمل با آنها؛^۱
طحطاوی می گوید: نماز خواندن در مقبره کراحت دارد؛ زیرا به عمل یهود و نصاری
شباهت پیدا می کند. پیامبر ﷺ فرمودند: خداوند بر یهود و نصاری به خاطر مسجد
قرار دادن قبرهای پیامبران شان لعن نموده است. خواه بالای آن باشد یا پشتش یا زیرش.
در ادامه مواردی را استثنا می کند که بعداً بیان خواهد شد.^۲
عبدالغنی نابلسی نیز نماز خواندن در کنار مقابر را به خاطر شباهت با یهود مکروه
می داند؛ اما در ادامه مواردی را نیز استثنا می کند که بعداً بیان خواهد شد.^۳
۳. از ماجرایی عمل همسر حسن بن حسن کراحت فهمیده می شود نه حرمت؛
بدرالدین عینی در شرح صحیح بخاری در ذیل همین حدیث می گوید: وقتی حسن بن
حسن بن علی درگذشت، همسر او خیمه ای بر قبر او زد و پس از یک سال برداشت. شنیدند
که شخصی ندا می دهد، آیا آنچه را که گم کرده بودند پیدا کردند. این قبه ای که روی قبر زده
بود به نمازی که در آنجا خوانده بود خللی وارد نکرده است و لازمه آن، گرفتن مسجد نزد
قبر است و گاه قبر جهت قبله قرار می گیرد؛ پس کراحت آن زیاد می شود. بخاری آن را دلیل
بر کراحت دانسته است و احمد، زدن چادر بر قبر را مکروه می داند.^۴

دیدگاه دوم: جواز خواندن نماز

جمعی از علمای حنفی نماز خواندن در کنار قبور اولیا را جایز می دانند و بر آن
دلایلی بیان کرده اند که اشاره می شود.

دلایل جواز نماز خواندن در کنار قبور

۱. همان طور که بیان شد، بعضی از علمای احناف از آیه ۲۱ سوره کهف، جواز
مسجد ساختن بر قبور یا در کنار قبور را ثابت کرده اند که از آن جواز، نماز در آن مسجد

۱. سرخسی، محمد بن أحمد، الميسوط، ج ۱، ص ۲۰۶؛ سمرقندی، محمد بن احمد، تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. طحطاوی، أحمد بن محمد، حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح، ص ۳۵۶-۳۵۷.

۳. نابلسی، عبدالغنی، كشف النور عن اصحاب القبور، ص ۱۲.

۴. عینی، بدرالدین، عمدة القاری شرح صحيح البخاري، ج ۸، ص ۱۳۴.

هم فهمیده می‌شود؛ برای مثال خفاجی حنفی در ذیل آیه ۲۱ سوره کهف، بعد از بیان جواز ساخت مسجد بر قبور، به جایز بودن نماز در آن بناء تصریح می‌کند.^۱

۲. دفن حضرت اسماعیل علیه السلام در حجر و دفن هفتاد پیامبر بین حجر و زمزم در مسجد الحرام و افضلیت نماز در آنجا.

طحطاوی می‌گوید: مقابر انبیا (در مورد نماز خواندن در کنار مقابر) استثنا شده؛ پس بعد از اینکه در جهت قبله نباشد، نماز در آن کراهت ندارد؛ چه قبرش باز باشد یا نه؛ زیرا آنها در قبورشان زنده‌اند. آیا نمی‌بینی مرقد اسماعیل علیه السلام در حجر، زیر ناودان قرار دارد و اینکه بین حجرالأسود و زمزم، قبر هفتاد پیامبر هست؛ سپس آن مسجد با فضیلت‌ترین مکان برای نماز است؛ به خلاف مقابر غیر انبیا.^۲

کوثری نیز به نقل از ابی مالکی می‌گوید: بناء کردن مسجد کنار قبر انسانی صالح و یا خواندن نماز در مقبره وی، به قصد تبرک به آثار او و قبول شدن دعا در آنجا ایرادی ندارد؛ چراکه قبر اسماعیل علیه السلام در مسجد الحرام، کنار کعبه قرار دارد و خواندن نماز در آنجا بهتر از جاهای دیگر است.^۳

بعضی برای جواز نماز خواندن شرایطی را بیان کرده‌اند. برای مثال طحطاوی می‌گوید: نماز در مقبره کراهت دارد، مگر اینکه در او محلی برای نماز باشد که نجس و کثیف نباشد.^۴ عبدالغنی نابلسی نیز در دو جا نماز خواندن را جایز می‌داند. اول آنکه در جایی که برای نماز انتخاب شده قبری نبوده و نجس نباشد. دوم آنکه بین او و قبر فاصله‌ای باشد که اگر کسی در حال نماز بود و انسانی از جلوی او رد شد، کراهت نداشته باشد؛ در این صورت نیز مکروه نیست.^۵

۱. خفاجی، شهاب‌الدین، عناية القاضي و كفاية الرازي علي تفسير البيضاوي، ج ۶، ص ۸۶.

۲. طحطاوی، أحمد بن محمد، حاشية الطحطاوي علي مراقي الفلاح، ص ۳۵۶-۳۵۷.

۳. کوثری، محمد زاهد، مقالات الكوثری، ص ۱۲۸-۱۲۷.

۴. طحطاوی، أحمد بن محمد، حاشية الطحطاوي علي مراقي الفلاح، ص ۳۵۶-۳۵۷.

۵. نابلسی، عبدالغنی، كشف النور عن اصحاب القبور، ص ۱۵.



چهارم: قرائت قرآن نزد قبر

یکی از مواردی که ابن تیمیه و وهابیت، آن را از مصادیق حدیث منع مساجد نزد قبور می دانند، قرائت قرآن نزد قبر است که با دیدگاه احناف مورد تطبیق قرار داده می شود.

الف: دیدگاه وهابیت

ابن تیمیه نظریه پرداز افکار وهابیت می گوید: قرار دادن قرآن ها نزد قبر و تلاوت قرآن در آنجا، برای کسی که قصد قرائت قرآن در آنجا را دارد، بدعت منکری است که هیچ یک از سلف آن را انجام نداده اند؛ چراکه او داخل در معنی قرار دادن مسجد بر قبور است.^۱

ب: دیدگاه احناف

حقی در مورد جواز توزیع قرآن و قرائت آن در کنار قبر می گوید: ملائکه، پیامبر ﷺ را بزرگ می شمارند، از این رو زمانی که ببینند به جا گذاشته های آن حضرت در خانه یا شهر یا قبری است، صاحبش را بزرگ می شمارند و عذاب را از او برمی دارند؛ بنابراین زمانی که قرآن بر قبرها توزیع شود و بر او قرآن تلاوت شود، میت نفع می برد.^۲

ملاعلی قاری از طریق اولویت بر استحباب، قرائت قرآن را اثبات می کند. وی روایتی از پیامبر ﷺ مبنی بر گذاشتن چوب تر بر قبر گنه کار و کم شدن عذاب آنها را نقل می کند و در ادامه می گوید: علما قرائت قرآن نزد قبر را به خاطر این حدیث مستحب می دانند؛ زیرا زمانی که قرآن تلاوت می کنند (از چوب تر) اولی به تخفیف است.^۳

تعدادی از علمای حنفی از جمله ابن همام و ملاخسرو می گویند: علما درباره حکم نشستن قرائت کنندگان کنار قبر، جهت قرائت (قرآن) اختلاف دارند و نظر مختار، عدم کراهت هست.^۴

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۲۴، ص ۳۰۲ - ۳۰۱؛ «بن باز نیز به همین مطلب اشاره دارد»؛ (بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، فتاوی نور علی الدرب، ج ۱۴، ص ۲۱۹).

۲. حقی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان، ج ۳، ص ۲۵۹.

۳. قاری، علی بن محمد، مرقاة المفاتیح، ج ۱، ص ۳۷۶.

۴. ابن همام، کمال الدین محمد، شرح فتح القدیر، ج ۲، ص ۱۴۲؛ ملاخسرو، محمد بن فرامرزی، درر الحکام شرح غرر الاحکام، ج ۱، ص ۱۶۸.

برهان‌الدین محمد بخاری و به تبع آن، دیگران می‌گویند: قرائت قرآن نزد ابوحنیفه مکروه است و نزد محمد^۱ مکروه نیست و صدر شهید گفته است که مشایخ ما به قول محمد عمل می‌کنند. به درستی که قرائت قرآن در مقبره به صورت بلند مکروه است؛ اما اگر ترس دارد مشکلی ندارد و اگر چه تمام کند.^۲

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد یکی از موضوعات اختلافی بین وهابیت و علمای حنفی مسجد قرار دادن قبور اولیا است. این موضوع بر پایه حدیثی است از حضرت رسول ﷺ می‌باشد که یهود و نصاری را به خاطر مسجد قرار دادن قبور انبیا، مورد مذمت قرار داده است؛ اما چون مصداق عمل یهود و نصاری در حدیث روشن نشده، ابن تیمیه و پیروان او (وهابیت) موارد زیادی را بدون ارائه دلیل، مصداق این حدیث دانسته‌اند. علمای حنفی مصادیق محدودتری نسبت به وهابیت بیان کرده‌اند. با بررسی تطبیقی بین افکار وهابیت و احناف در چهار موضوع بنای مسجد بر قبور و در جوار قبور، بناء بر قبور، نماز خواندن نزد قبور و قرار دادن قرآن نزد قبر و قرائت نزد قبور، معلوم شد که دیدگاه اکثر علمای حنفی مخالف دیدگاه وهابیت است. در بین احناف، دیدگاه غالب، کراهت این امور و برخی هم جواز است و عده محدودی هم آنها را حرام می‌دانند؛ بنابراین دیدگاه ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب که سعی کرده‌اند، حرمت مسجد قرار دادن قبور را به مذهب حنفی هم تسری دهند درست نیست و سخت قابل خدشه است.

۱. محمد شیبانی شاگرد ابوحنیفه است.

۲. ابن مازه بخاری، محمود بن أحمد، المحيط البرهاني في الفقه النعماني، ج ۵، ص ۳۱۱؛ رازی، محمد بن ابی‌بکر، تحفة الملوك، ص ۲۸۳؛ زیلعی، فخرالدین، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشية الشلی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ سنّامی، عمر بن محمد، نصاب الاحتساب، ص ۱۸۱؛ ابن‌نجیم، زین‌الدین بن ابراهیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ج ۸، ص ۲۳۵.



منابع

١. قرآن كريم

٢. ابن عبدالكريم، ناصر، إسلامية لا وهابية، بي جا: داركنوز أشبيلية، ١٤٢٥ق.
٣. ابن بابويه، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامي، چاپ دوم، ١٤١٣ق.
٤. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، الفتاوي الكبرى لابن تيميه، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٥. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، مجموع الفتاوي، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه: مجمع الملك فهد، ١٤١٦ق.
٦. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، تعريف اهل التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس، تحقيق: عاصم بن عبدالله القريوتي، عمان: مكتبة المنار، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
٧. ابن حنبل شيباني، احمد بن محمد، مسند الإمام احمد بن حنبل، مصر: مؤسسة قرطبة، بي تا.
٨. ابن همام، كمال الدين محمد، شرح فتح القدير، بيروت: دارالفكر، بي تا.
٩. ابن عابدين، محمد، العقود الدرية في تنقيح الفتاوي الحامدية، بي جا: دارالمعرفة، بي تا.
١٠. ابن عابدين، محمد، رد المحتار علي الدر المختار، بيروت: دارالفكر، ١٤٢١ق.
١١. ابن عبد الوهاب، محمد، مفيد المستفيد في كفر تارك التوحيد، محقق: إسماعيل بن محمد الأنصاري، رياض: جامعة الإمام محمد بن سعود، بي تا.
١٢. ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، بي جا: دارالكتاب الإسلامى، بي تا.
١٣. افغانى، شمس الدين سلفى، جهود علماء الحنفية في إبطال عقائد القبورية، رياض: دارالصميعي، چاپ اول، ١٤١٦ق.
١٤. آلبانى، ناصرالدين، احكام جنايز، مترجم: عبدالله ريگى احمدى، زاهدان: حرمين، چاپ اول، ١٣٨٣ش.
١٥. آلوسى، نعمان بن محمود، جلاء العينين في محاكمة الأحمدين، بي جا: مطبعة المدينى، ١٤٠١ق.
١٦. بخارى، محمد بن اسماعيل، الجامع الصحيح المختصر، تعليق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دارابن كثير، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
١٧. ابن انس، مالك، موطأ الإمام مالك، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، مصر: دارإحياء التراث العربى، بي تا.



١٨. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، فتاوي نور على الدرب، المحقق: عبد الله بن محمد الطيار - محمد بن موسى بن عبد الله الموسى، رياض: مدار الوطن للنشر، چاپ اول، ١٤٣٠ق.
١٩. ابن مازه بخارى، محمود بن احمد، المحيط البرهاني في الفقه النعماني، تحقيق: عبدالكريم سامي الجندى، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
٢٠. حقى، اسماعيل بن مصطفى، روح البيان، بيروت: دارالفكر، بى تا.
٢١. خفاجى، شهاب الدين احمد، عناية القاضي و كفاية الراضي على تفسير البيضاوي، بيروت: دارصادر، بى تا.
٢٢. رازى، محمد بن ابى بكر، تحفة الملوك، تحقيق: عبدالله نذير احمد، بيروت: دارالبشائر الإسلامية، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٢٣. زيلعى، فخرالدين، تبين الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي، القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية، چاپ اول، ١٣١٣ق.
٢٤. سرخسى، محمد بن احمد، المبسوط، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٤ق.
٢٥. سمرقندى، محمد بن احمد، تحفة الفقهاء، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ دوم، ١٤١٤ق.
٢٦. سمرقندى، ناصرالدين، جامع الفتاوى، بى جا: جامعه الملك سعود، ١١٦١ق.
٢٧. سنمى، عمر بن محمد، نصاب الاحتساب، مکه: الطالب الجامعى، چاپ اول، ١٤٠٦ق.
٢٨. سندی، محمد بن عبدالهادى، حاشية السندی على النسائي، تحقيق: عبدالفتاح أبوغدة، حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.
٢٩. سهارنپورى، خليل احمد، ترمذى، سيد عبدالشكور، عقايد اهل سنت والجماعت در رد وهابيت و بدعت (ترجمه المهند على المفند و خلاصه عقايد علمای ديوبند با تايدات جديده)، ترجمه: عبدالرحمن سربازى، چابهار: مدرسه عربيه اسلاميه چابهار، چاپ اول، ١٣٧٠ش.
٣٠. سيوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر، أسماء المدلسين، محقق: محمود محمد محمود، بيروت: دارالجيل، چاپ اول، بى تا.
٣١. شرنبلالى، حسن بن عمار، مراقي الفلاح شرح متن نور الإيضاح، تحقيق: نعيم زرزور، بى جا: المكتبة العصرية، چاپ اول، ١٤٢٥ق.
٣٢. صنعانى، عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت: المكتب الإسلامى، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.



٣٣. صنعاني، محمد بن اسماعيل، سبيل السلام، بي جا: دارالحديث، بي تا.
٣٤. صنعاني، محمد بن اسماعيل، شوكانى، محمد بن على، تطهير الاعتقاد عن أدران الإلحاد
ويلية شرح الصدور في تحريم رفع القبور، محقق: عبدالمحسن بن حمد العباد البدر، رياض:
مطبعة سفير، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
٣٥. طحطاوى، احمد بن محمد، حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح، تحقيق: محمد
عبدالعزیز الخالدي، بيروت: دارالكتب العلمية چاپ اول، ١٤١٨ق.
٣٦. عثمانى، شبير احمد، فتح الملهم، تعليقات: محمد رفيع عثمانى، بيروت: داراحياء التراث
العربى، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
٣٧. عثمانى، محمد شفيق، معارف القرآن، مترجم: محمد يوسف حسين پور، تربت جام:
شيخ الاسلام احمد جام، چاپ دوم، ١٣٨١ش.
٣٨. عینی، بدرالدین، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، بيروت: داراحياء التراث العربى،
بي تا.
٣٩. فوزان، صالح بن فوزان، اعانة المستفيد بشرح كتاب التوحيد، بي جا: مؤسسة الرسالة، چاپ
سوم، ١٤٢٣ق.
٤٠. قارى، على بن محمد، زيارت القبر المكرم، بي جا: مكتبة جامعة ملك سعود، بي تا.
٤١. قارى، على بن محمد، شرح الشفاء، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٤٢. قارى، على بن محمد، مرقاة المفاتيح، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، بي تا.
٤٣. نيشابورى، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: داراحياء
التراث العربى، بي تا.
٤٤. كاسانى حنفى، أبوبكر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت: دارالكتب
العلمية، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.
٤٥. هيئت كبار العلماء، فتاوى اللجنة الدائمة، گردآوری: احمد بن عبدالرزاق الدويش، رياض:
رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، الإدارة العامة للطبع، بي تا.
٤٦. كشميرى، محمد انور شاه، العرف الشذي، شرح سنن الترمذي، تصحيح: محمود شاكر،
بيروت: دارالتراث العربى، چاپ اول، ١٤٢٥ق.
٤٧. كوثرى، محمد زاهد، مقالات الكوثرى، كويت: المكتبة المعروفة، چاپ چهارم، ١٤٣٢ق.
٤٨. لکنوى، محمد عبدالحی بن محمد، التعليق الممجد على موطأ محمد، تحقيق: تقى الدين

- ندوی، دمشق: دارالقلم، چاپ چهارم، ۱۴۲۶ق.
۴۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، محقق: جمعی از محققان، بیروت: دارإحياء التراث العربی، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ق.
۵۰. محدث دهلوی، عبدالحق، اشعة اللمعات، تصحیح و تنظیم: عبدالمجید مرادزهی، زاهدان: فاروق اعظم، ۱۳۸۹ش.
۵۱. مظهری، محمد ثناءالله، التفسیر المظهري، تحقیق: غلام نبی التونسی، پاکستان: مکتبة الرشدية، ۱۴۱۲ق.
۵۲. مغلطای، علاءالدین، شرح سنن ابن ماجه، تحقیق: کامل عویضة، عربستان: مکتبة نزار مصطفى الباز المملكة العربية السعودية، ۱۴۱۹ق.
۵۳. ملاخسرو، محمد بن فرامرز، دررالحکام شرح غرر الأحکام، بی جا: دارإحياء الكتب العربية، بی تا.
۵۴. نابلسی، عبدالغنی، کشف النور عن أصحاب القبور، استانبول: مکتبة الحقيقة، ۱۴۰۶ق.
۵۵. نجم الدین حنفی، ابراهیم بن علی، تحفة الترك فيما يجب أن يعمل فی الملك، محقق: عبدالکریم محمد مطیع الحمدادی، بی جا: چاپ دوم، بی تا.

